

مبانی فقهی مسؤولیت مدنی و کیفری تولیدکنندگان کالاهای معیوب^۱

ابوذر علی اکبری^۲

حسین سمیعی زنوز^۳

چکیده

عصر حاضر روز به روز به سوی صنعتی شدن گام بر می‌دارد و افراد زیادی با انگیزه‌ی منفعت‌طلبی و سودجویی، به تولید محصولات صنعتی با حجم گسترده اقدام می‌نمایند. حجم وسیع این تولیدات، در کنار منافعی که نصیب مصرف‌کنندگان می‌نماید، آثار و نتایج زیان‌بار ناشی از مصرف آن‌ها را نیز به دنبال خواهد داشت. در سال‌های اخیر، دولت‌ها با رویکردی مداخله‌گرایانه، اقدام به وضع قوانین آمره و حمایتی در جهت حمایت از مصرف‌کنندگان نموده‌اند. در حقوق کلاسیک، اصل آزادی اراده و تقصیر، مبنای مسؤولیت تولیدکنندگان قرار می‌گرفت. دشواری اثبات تقصیر و آثار زیان‌بار استفاده از محصولات صنعتی موجب گردیده، مسؤولیت کیفری تولیدکنندگان محصولات صنعتی بدون نیاز به احراز تقصیر در فرایند تولید، مورد پذیرش قرار گیرد. این نوشتار با استفاده از منابع فقهی در پی تدوین سیاست کیفری کارآمد جهت مقابله با تولیدکنندگان خاطی است.

واژگان کلیدی: تولیدکننده، کالای معیوب، مسؤولیت کیفری، مسؤولیت

مدنی.

۱. تاریخ دریافت مقاله ۱۳۹۱/۴/۷؛ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۱/۸/۲۷.

۲. عضو هیأت علمی گروه حقوق دانشگاه پیام نور.

۳. دانشجوی دوره‌ی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس؛ نویسنده مسؤول:

h.samie1987@gmail.com

درآمد

تنوع خواسته‌ها و نیازهای مادی بشر امروز و میل او برای تجربه‌های گوناگون، زندگی آدمیان را دستخوش تحولات بنیادین نموده است. تولید روزافزون کالاها و محصولات صنعتی متنوع، پاسخی به نیازهای مادی رو به تزاید بشر است. از این دیدگاه، صنعتی شدن جوامع و به تبع آن، تولیدات انبوه، اهمیت رعایت استانداردهای تولید کالاها را بیش از پیش آشکار می‌سازد، اما تولید کالا و ارائه‌ی خدمات در حجم وسیع، عاری از مانع و اشکال نخواهد بود؛ زیرا وسوسه‌ی سود سرشار از تولید، گاه باعث می‌شود تولیدکنندگان کالاها و خدمات، بر اثر تقصیر یا به عمد با زیر پا نهادن قواعد و ضوابط قانونی و متعارف، کالایی را تولید کنند که مطابق استاندارد نبوده و موجب مسئولیت برای آن‌ها شود. بنابراین پیش‌بینی راهکارهای مناسب قانونی و تعیین مبانی منطقی برای تشخیص حدود و ثغور چنین مسئولیتی، امری ضروری و مطابق با نیاز جوامع امروزی است؛ چرا که امروزه دیگر نمی‌توان روابط میان افراد را بر توافقات انجام شده میان آن‌ها استوار دانست و اصل آزادی قراردادهای را حداقل در زمینه‌های مهم که صدمه به تمامیت جسمانی را به دنبال دارد، همچنان بر روابط افراد حاکم دانست. در همین راستا در سال‌های اخیر، حقوق اکثر کشورها به ویژه کشورهای پیشرفته و صنعتی، رشد مداخله گرایانه‌ی دولت در روابط اجتماعی و مالی اشخاص حقیقی و حقوقی و در نتیجه وضع قوانین آمره در حمایت از اقشار ضعیف و آسیب‌پذیر جامعه را شاهد بوده است.

هدف از وضع این قوانین، حمایت از مصرف‌کننده و جلوگیری از تحمیل یک‌جانبه‌ی شرایط قرارداد از سوی تولیدکننده و فروشنده بر مصرف‌کننده است؛ زیرا غالب کسانی که از مصرف یک کالا متضرر می‌شوند، با تولیدکننده رابطه‌ی قراردادی ندارند و از طرفی، در اکثر موارد، میزان خسارت وارده، بیش از بهای قراردادی کالا است. بنابراین اعمال مبنای قراردادی، به سود تولیدکننده و به زیان مصرف‌کننده است. پس از مدتی مسئولیت غیرقراردادی مبتنی بر تقصیر به عنوان مبنای جبران خسارت مصرف‌کننده مطرح شد، اما به دلیل دشواری اثبات تقصیر تولیدکننده، خسارات وارده به مصرف‌کننده در اغلب موارد جبران نشده باقی می‌ماند. مبنای

مسئولیت محض^۱ که اخیراً مطرح گردیده، توانسته مشکلات فوق را رفع نماید؛ به نحوی که امروزه شاهد گرایش روزافزون دولت‌ها به استفاده از این مبنا، جهت جبران خسارات وارده به مصرف‌کننده‌ی کالای معیوب هستیم. بر این اساس، تولیدکننده صرف نظر از عمد یا جهل یا تقصیر در تولید محصولات معیوب، ممکن است صرفاً به دلیل ایجاد محیط یا کالای خطرناک مسئول شناخته شود. پیش‌بینی مسئولیت محض یا مسئولیت ناشی از ایجاد خطر برای تولیدکننده با تکیه بر سود سرشاری که از تولید عاید آنان می‌شود، مبنای حقوقی مناسبی برای وضع قوانین مناسب جهت مقابله‌ی کیفری و قهرآمیز با تولیدکننده‌ی خاطی است. قواعد فقهی که مبنای برخورد کیفری با تولیدکنندگان خاطی است و الزام آن‌ها به جبران خسارات وارده به مصرف‌کننده را موجب می‌گردد، در این مقاله مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱. مفهوم‌شناسی اصطلاحات

برای ورود به بحث، تعریف اصطلاحات مورد استفاده در بحث حاضر، ضروری است.

۱-۱. مسئولیت مدنی و کیفری

مسئولیت به معنای ضمان، متعهد بودن و موظف بودن است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۲۰۹۷) و مسئول کسی است که فریضه‌ای بر ذمه دارد و اگر به آن عمل نکند، از او بازخواست می‌شود (معین، ۱۳۷۷: ۴۰۷۷). این واژه از ریشه‌ی «سأل» به معنی زیر سؤال بردن، بازخواست کردن و مؤاخذه کردن نیز آمده است (آذرنوش، ۱۳۸۴: ۲۷۳). از بُعد اصطلاحی نیز مسئولیت به تعهد قانونی شخص بر رفع ضرری که به دیگری وارد کرده، تعریف شده است؛ خواه این ضرر ناشی از تقصیر وی بوده یا از فعالیت او ناشی شده باشد. در همین معنا، در فقه لفظ «ضمان» را به کار برده‌اند و

۱. مسئولیت محض یا مطلق (Strict or Absolute Liability) بدین معناست که برخی جرایم به صرف وجود عنصر مادی (فعل یا ترک فعل) و بدون نیاز به عنصر معنوی (عمد یا تقصیر) تحقق می‌یابند. به عنوان مثال می‌توان به جرم توهین اشاره کرد که به صرف ادای الفاظی که عرفاً موجب استخفاف دیگری است، واقع می‌گردد، حتی اگر گوینده‌ی این الفاظ، قصد تحقیر و استخفاف طرف مقابل را نداشته باشد (Simester and Sullivan (2010), p 75).

معنای آن، هر نوع مسؤولیت اعم از مدنی و کیفری است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۴: ۶۴۲). در حقوق تطبیقی، مسؤولیت به وضعیتی اطلاق می‌شود که شخص را از منظر حقوقی مجبور به پاسخ‌گویی در قبال رفتار خود می‌کند.^۱

کتاب فقهی در مباحث مربوط به پرداخت دیه، به ضمان و مسؤولیت اشاره کرده‌اند. چنان‌چه قائل به وصف مجازات برای دیه باشیم، می‌توان گفت ضمان به کار رفته در متون فقهی، به معنای مسؤولیت کیفری است.

مسؤولیت در معنای اعم، الزام شخص به پاسخ‌گویی در قبال اعمال زیان‌آور خویش است. مسؤولیت به اعتبار زشتی عمل و نوع واکنش قانون‌گذار در قبال آن به انواع مختلف تقسیم می‌شود. گاه اعمال زیان‌آور شخص، وی را ملزم به جبران خسارت ناشی از اعمال خود می‌نماید. در این نوع مسؤولیت که آن را مسؤولیت مدنی می‌نامند، نهایت آنچه که شخص ملزم به انجام آن است، اعاده‌ی وضع به حال سابق و جبران خسارت مالی وارده می‌باشد. مسؤولیت مدنی در قبال خسارتی است که شخص تحت مراقبت یا اداره‌ی دیگری و یا اشیای تحت حراست وی به دیگران وارد سازند و در واقع الزام شخص به جبران خسارتی است که به دیگری وارد کرده است (منتقمی، ۱۳۸۵: ۱۰).

در برخی موارد، عمل نامشروع شخص علاوه بر ایراد خسارت به دیگران، یا حتی بدون ایراد خسارت مادی، به دلیل تعارض با نظم عمومی و ارزش‌های حاکم بر جامعه، عنوان مجرمانه یافته و مرتکب آن، مستحق تحمل کیفر شناخته می‌شود. در این مورد شخص در قبال اعمال نامشروع خود که جرم محسوب می‌شود، ملزم به تحمل مجازات است. مسؤولیت کیفری موجب تحمیل کیفر بر فرد خطاکار می‌شود. البته صرف ارتکاب جرم، موجب تحمیل مجازات بر مرتکب نمی‌باشد، بلکه وی باید واجد مسؤولیت کیفری شناخته شود تا اعمال مجازات بر او عادلانه باشد.^۲ مسؤولیت کیفری، پل ارتباطی بین جرم و مجازات است و مجرم که با عبور از این پل، مسؤول شناخته می‌شود، به تناسب فعل یا ترک فعل خود مجازات می‌گردد (نوربها، ۱۳۸۶: ۴۳).

1. Oxford Advanced Learners 's Dictionary(2005) p883.

۲. به عنوان مثال کودک و دیوانه در صورتی که مرتکب جرم شوند، به این دلیل که رفتارشان از نظر اجتماع، قابل سرزنش نیست، واجد مسؤولیت کیفری و مستحق تحمل مجازات شناخته نمی‌شوند.

۲-۱. تولید کننده

تولید کننده شخصی است که کالایی را از مواد اولیه‌ی خام و یا از ترکیب چند کالای ساخته شده‌ی دیگر می‌سازد. در تعریفی دیگر، تولید کننده شخصی است که عملاً کالایی را ساخته و به بازار عرضه کرده است؛ این تعریف شامل سازنده‌ای که فقط بخشی از یک کالا را تولید کرده نیز می‌شود. معمولاً کشاورزان و تهیه‌کنندگان محصولات کشاورزی را تولید کننده نمی‌نامند، مگر آن که با انجام عملیاتی بر روی محصولات کشاورزی، آن را به صورت فرآورده‌های خاص به بازار مصرف عرضه نمایند (جعفری تبار، ۱۳۷۵: ۴۹).

بند «ب» ماده‌ی ۲ کنوانسیون اروپایی، مسؤولیت ناشی از مصرف کالای معیوب^۱ مصوب ۲۷ ژانویه‌ی ۱۹۷۷ در استراسبورگ، «تولید کننده» را این چنین تعریف کرده است: سازنده‌ی کالای نهایی، پدیدآورنده‌ی مواد اولیه یا سازنده‌ی بخشی از اجزای تشکیل‌دهنده‌ی کالا و هر شخصی که با الصاق نام، نشان تجاری یا سایر علامت‌های اختصاصی بر کالا، خود را به عنوان سازنده‌ی آن معرفی می‌کند. در ایران قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مصوب ۱۳۸۸، کلیه‌ی عرضه‌کنندگان کالا را در قبال مصرف‌کنندگان مسؤول دانسته و در این قانون عرضه‌کننده شامل تولید کننده، واردکننده، توزیع کننده، فروشنده‌ی کالا و ارائه‌کنندگان خدمات است.

۳-۱. محصول

هر آن چه را که در نتیجه‌ی کار انسان حاصل شود، «محصول» گویند. طبق ماده‌ی ۲ قانون مسؤولیت ناشی از عیب تولید مصوب ۱۵ دسامبر ۱۹۸۹ آلمان، محصول به اموال منقولی گفته می‌شود که به طور مستقل یا به صورت تابعی از مال غیر منقول مورد استفاده قرار گیرد. در قوانین سایر کشورها نیز محصول شامل مال منقول دانسته شده، اعم از این که آن مال جزئی از مال منقول و غیر منقول دیگر باشد. (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۸۳). بدین ترتیب آجری که در ساختمان به کار رفته،

1. European Convention on Products Liability in regard to Personal Injury and Death, Article 2(b), Starsbourg, 1977.

محصول منقول است؛ هر چند به طور تبعی در زمره‌ی اموال غیر منقول قرار گرفته است.

در مجموع با در نظر گرفتن حقوق و مصالح مصرف کننده، در یک تعریف موسع می‌توان گفت محصول عبارت است از: «همه‌ی مصنوعات ساخت بشر و کالاهای صنعتی ساخته شده‌ی کارخانجات و محصولات کشاورزی، با این شرط که با استفاده از عناوین و علائم تجاری، بسته‌بندی و در سطح گسترده عرضه شده‌اند؛ و نیز خدمات»^۱.

۴-۱. عیب

عیوب موجود در کالا موجب ایراد صدمه به مصرف کننده شده و تولید کننده نیز به جهت تولید کالای معیوب و از باب تسبیب، مسؤول خسارت وارده قلمداد می‌شود. طبق ماده‌ی ۱۸ قانون حمایت از حقوق مصرف کنندگان مصوب ۱۳۸۸ در صورتی که کالا یا خدمات عرضه شده معیوب باشند و به واسطه‌ی آن عیب، خساراتی به مصرف کننده وارد شود، متخلف به پرداخت جزای نقدی محکوم خواهد شد. فقها، عیب را نقصی دانسته‌اند که از ارزش کالا یا انتفاع متعارف آن بکاهد.^۲ از جمله گفته شده است: عیب، هر چیزی است که نسبت به خلقت اصلی و اولی که همان خلقت غالب افراد آن نوع است، فزونی یا کاستی داشته باشد؛ خواه عین باشد مانند انگشت زاید و یا صفت، مانند تب، اگرچه در یک روز. قانون مدنی تعریفی از عیب ارائه ننموده و آن را به نظر عرف گذاشته است. با این حال در ماده‌ی ۴۲۶^۳ تشخیص عیب را به عرف واگذاشته است. در محصولات متنوع صنعتی، به دشواری می‌توان از معیار «اصل خلقت»

۱. در ادبیات اقتصادی، به هر کارکرد یا پیشه‌ای که تقاضایی برای آن وجود داشته باشد، خدمت می‌گویند. بنابراین تعمیر اتومبیل، لوله کشی، نظافت، توصیه‌های پزشکی و ... که قابل برآورد به پول می‌باشند، خدمت محسوب شده و ارائه کننده‌ی آن مطابق مقررات در برابر صدمات و جنایات وارده مسؤول است (امیدی و سعادت‌مندی، ۱۳۷۴: ۵۰).

۲. «و هو کل مازاد عن الخلقه الأصلیه أو نقص، عیناً کالأصبغ أو صفه کالحمی ولو یوماً» حر عاملی (محمد بن حسن) بی‌تا: ۲۵۲.

۳. تشخیص عیب بر حسب عرف و عادت می‌باشد، بنابراین ممکن است حسب ازمنه و امکانه مختلف باشد.

استفاده کرد. به عنوان مثال در معامله‌ی یک تندیس زیبا که عیب آن به بهای تراضی بستگی دارد، اصل خلقت چیست؟ این نکته را برخی از فقها دریافته و معتقدند که مقصود، نمونه و نمادی است که در اغلب موارد معیار دادوستد و بازرگانی قرار می‌گیرد (موسوی بجنوردی، بی‌تا: ۵۳).

بنابراین کالای معیوب کالایی است که به لحاظ نقص در طرح یا تولید یا معرفی، نتواند ایمنی را که عرفاً از یک کالا انتظار می‌رود، برای مصرف‌کننده تأمین نماید.^۱ کالایی عرفاً دارای ایمنی محسوب می‌شود که تولید کننده یا فروشنده هشدارها و اطلاعات لازم برای استفاده از آن را در اختیار مصرف‌کننده قرار داده باشد و مصرف‌کننده نیز از کالا به صورت متعارف و عقلایی استفاده نماید.

در نظام حقوقی کشورهای کامن‌لا مانند آمریکا و انگلستان، کالا زمانی معیوب محسوب می‌شود که سلامتی مصرف‌کننده را به یکی از دو دلیل زیر به مخاطره افکند:

۱- کالا فراتر از میزانی که مصرف‌کننده انتظار آن را دارد، خطرناک باشد؛

۲- تولید کننده در استفاده از مواد اولیه‌ی سالم و ایمن قصور کرده باشد.

دعوی خطرناک بودن غیر معمول یک کالا زمانی از مصرف‌کننده پذیرفته می‌شود که بتواند اثبات نماید عیب هنگام تولید کالا در کارخانه^۲ ایجاد شده است، به طور مثال کیسه‌ی هوا در خودرو تعبیه نشده است یا طراحی آن نامناسب و ناقص^۳ انجام شده است. به عنوان مثال، هواپیما به خاطر نزدیکی سیم‌های برق با تانکر سوخت و ایجاد جرقه دچار احتراق شده باشد یا هشدارها و اطلاعات لازم برای مصرف کالا،^۴ به منظور اجتناب از نتایج ناخواسته در اختیار مصرف‌کننده قرار نگرفته است. مثل زمانی که هشدارهای لازم برای استفاده از چرخ گوشت بر روی آن الصاق نشده باشد (Whittaker, Simon, 2005: 93).

۱. بند ۴ ماده‌ی ۱ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان در تعریف عیب آورده است: «منظور از عیب در این قانون، زیاده، نقیصه یا تغییر حالتی است که موجب کاهش ارزش اقتصادی کالا یا خدمات گردد». این قانون تعریف جامع و مناسبی از مفهوم عیب در مسئولیت ناشی از تولید ارائه نداده است؛ زیرا تعریف کامل از عیب در مسئولیت ناشی از تولید، تعریفی است که دایرمدار ایمنی باشد که عرفاً می‌توان از یک کالا انتظار داشت.

2. Manufacturing Flaw.

3. Design defect.

4. Inadequate Warning.

۲. سیر تاریخی مسئولیت مدنی و کیفری تولیدکنندگان محصولات

صنعتی

در منابع قدیمی به مسئولیت صانع یا فروشنده به علت تعدیات آن‌ها در امر تولید یا فروش اشاره شده، اما توجه به موضوع مسئولیت تولیدکنندگان محصولات صنعتی با این حجم گسترده، دستاورد جامعه‌ی کنونی است و بحث‌های پیرامون آن، با شروع انقلاب صنعتی و پیدایش آثار زیان‌بار حاصله از تولیدات کارخانجات مطرح گردیده است.

مسئولیت اولیه‌ی تولیدکنندگان و افراد مرتبط با تولید را باید در قواعد مسئولیت مدنی جست‌وجو کرد. تاریخ نشان می‌دهد که در آغاز تحولات مسئولیت مدنی، بیشتر تکیه بر جبران خسارت بوده و قانون‌گذاران کوشیده‌اند زبانی را جبران نشده باقی نگذارند. در این دوران، رابطه‌ی علیت میان اعمال شخص و نتایج آن برای جبران خسارت کفایت می‌کرد. رفته رفته این تفکر به وجود آمد که: «هر کس سود کاری را می‌برد، باید زیان‌های آن را نیز تحمل کند»^۱. این فکر نیز با گذشت زمان، رونق پیشین را از دست داد و هر چند آثاری را از خود به جا نهاد، ولی نتوانست نظریه‌ی مرسوم تقصیر را از میان بردارد، بلکه در برخورد اندیشه‌ها، خود نیز تعدیل شد. این تحول تاریخی دورنمای روزی را نوید می‌دهد که دولت تضمین اجتماعی را خود به عهده گیرد و با وضع مالیات‌ها و اخذ عوارض از همه‌ی مردم به تناسب درآمد یا خطری که می‌آفرینند، مبلغی را برای جبران خسارت از آنان بگیرد و به جای مؤسسات بیمه‌ی کنونی، عهده‌دار جبران زیان‌هایی شود که در نتیجه‌ی زندگی اجتماعی به بار می‌آید (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۱۸۰). در آخرین مرحله از این تحولات، مسئولیت محض که در اصطلاح «مسئولیت ناشی از کالا» نامیده می‌شود، برای بیان موقعیت‌هایی به کار می‌رود که در آن‌ها شخص یا مالی به واسطه‌ی کالای معیوب یا خدمات نامناسب آسیب یا خسارتی می‌بیند. اصطلاح مذکور بدین معناست که هرگاه مصرف کننده با مصرف کالایی آسیب ببیند، سازنده‌ی کالا یا عرضه کننده‌ی آن و یا

۱. این تفکر معادل قاعده‌ی فقهی «من له الغنم فعلیه الغرم» است (برای آگاهی بیشتر درباره‌ی این قاعده، بنگرید به: محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقه (بخش مدنی)، مرکز نشر امور اسلامی، چاپ سی ام، ۱۳۹۰، ص ۱۶۲ به بعد).

سایر اشخاص مرتبط با امر تولید، به طور مطلق ملزم به جبران خسارت خواهند بود؛^۱ زیرا در این نوع مسئولیت برای مسؤول شمردن فرد، اثبات تقصیر وی ضرورت ندارد، بلکه تحقق دو شرط کافی است:

۱- وجود عیب در کالای مورد نظر در زمان تحویل؛

۲- سبب نزدیک تلقی شدن عیب موجود در وارد آمدن خسارت (منتقمی، ۱۳۸۵: ۱۳). به بیان دیگر، عیب موجود در کالا سبب وقوع حادثه و ایراد خسارت شده باشد.^۲

در بسیاری از موارد، عمد یا سهل انگاری صاحبان صنایع منتهی به ایراد جراحت یا فوت مصرف کنندگان می شود و مسئولیت مدنی و الزام به جبران خسارت قادر به مقابله و پیش گیری از ورود چنین صدماتی نبود. لذا بحث مسئولیت کیفری و اعمال مجازات بر صاحبان صنایع مطرح گردید تا بدین وسیله صاحبان صنایع مجاب به ارتقای کیفیت و ایمنی کالاهای تولید شوند (Steinbuch, 2006: 322).

در قرون گذشته، تکالیفی برای تولید کننده در نظر گرفته شد که فاقد جنبه کیفری بود و بیشتر جهت جلوگیری از ورود خسارت و به لحاظ حفظ حقوق مصرف کننده، تحمیل شده بود.

پیدایش انقلاب صنعتی و ورود حجم وسیع محصولات به بازارها و عواقب ناگوار ناشی از مصرف آنها، حکومت ها را به آن داشت جهت پیش گیری از تولید کالای معیوب و زیان آور و مقابله با تولید کنندگان این گونه کالاها، از ضمانت اجراهای کیفری استفاده کنند.

۱. آمریکا از جمله کشورهایی است که مسئولیت محض تولید کنندگان و فروشندگان و سایر تهیه کنندگان کالا را پذیرفته است. در انگلستان، قانون حمایت از مصرف کننده، مسئولیت محض را بر عهده تولید کننده نهاده است. در آلمان نیز قانون مربوط به مسئولیت ناشی از کالاهای معیوب که از اول ژانویه ۱۹۹۰ به اجرا در آمده، مسئولیت محض را پذیرفته است، اما در فرانسه، قانون خاصی در زمینه مسئولیت ناشی از تولید کالاها به تصویب نرسیده است و این موضوع تابع قواعد عمومی مسئولیت مدنی است. بنابراین زیان دیده برای دریافت خسارت، ناگزیر از اثبات تقصیر تولید کننده است (مریدنژاد، ۱۳۸۲: ۳۶).

۲. در آخرین مرحله تحول، پاره ای از دادگاه های آمریکایی با نقض قواعد مربوط به «مسئولیت محض» چهره ای از مسئولیت مطلق یا مسئولیت بی عیب تولید کننده را پذیرفته اند؛ بدین معنی که تولید کننده قطع نظر از وجود یا عدم وجود عیب به هنگام طراحی کالا مسؤول خسارت ناشی از مصرف آن است (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۲۴).

۳. مبانی فقهی مسئولیت مدنی و کیفری تولیدکنندگان

مبنای حقوق، نیرو و جاذبه‌ی پنهانی پشتیبان قانون است که انسان را به اجرای قواعد آن وادار می‌سازد (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۱۹). صرف‌نظر از این بحث نظری که آیا مبنای اصلی حقوق، عدالت است یا قدرت حکومت، باید گفت اگر بخواهیم مردم با رضایت قلبی به اوامر و نواهی قانون‌گذار گردن نهند، باید قوانینی وضع نماییم که دارای مبانی و پشتوانه‌های قوی بوده و با فرهنگ حاکم بر جامعه و نظام عقیدتی مردم سازگار باشد. در ایران به دلیل بافت مذهبی جامعه، می‌توان از روایات و قواعد اسلامی برای مبناسازی استفاده نمود. در منابع فقهی، مواردی وجود دارد که به ضمانت افراد در قبال خسارات ناشی از اعمال آن‌ها اشاره شده است. به طور مثال در باب ضمان مربی شنای طفل^۱ روایتی وارد شده که صانع را به‌رغم جهد و کوشش ضامن دانسته است و این حکم موید آن است که علت ضمان، تفریط وی است و مقتضی این امر آن است که اگر او تفریط نکرده باشد، ضامن نیست (شیروانی، ۱۳۸۶: ۱۷۸). مبنای روایی مبحث فوق، حدیثی از امام صادق علیه‌السلام است^۲ که افراد را نسبت به اموری که به آن‌ها واگذار شده، مسؤول تلقی نموده است؛ هر کس موظف به حسن انجام کار بوده و در مقابل انجام ناصحیح امور می‌توان وی را مورد مؤاخذه و بازخواست قرار داد (حرعاملی، بی‌تا، جلد ۱۳: ۲۷۱).

علاوه بر این، از قاعده‌ی فقهی «التعزیر لکل عمل الحرام» می‌توان برای وضع قواعد و ضمانت اجراهای کیفری مناسب جهت مقابله با تولیدکنندگان کالای معیوب، آن‌گاه که عمل آن‌ها از مصادیق فعل حرام می‌باشد، استفاده نمود. مطابق این قاعده، حاکم می‌تواند مرتکب هر فعل حرامی را به میزان مصلحت تعزیر نماید (موسوی خویی، ۱۴۲۸، ج ۴۱: ۴۰۷).

در مقبولیت این قاعده و تعارض آن با اصل قانونی بودن جرم و مجازات و همچنین معنی فعل حرام بحث‌های گوناگونی مطرح شده است، اما این قاعده در

۱. «و یؤیده ما روی من ضمان الصانع و ان اجتهد و فی القواعد علل الضمان بالتفریط و مقتضاه انه لو لم یفرط فلا ضمان».

۲. «کل اجیر یعطی الاجره علی ان یصلح فیفسد فهو ضامن» هر اجیری که به او اجرت داده می‌شود تا عملی را به درستی انجام دهد اگر کار را درست انجام ندهد، ضامن است.

فقه جزایی از اهمیت به سزایی برخوردار است و مبنای مشروعیت بسیاری از قوانین جزایی می‌باشد. بسیاری از اعمالی که در قوانین موضوعه‌ی فعلی، به ویژه بخش تعزیرات جرم تلقی شده، فاقد نص و دلیل خاصی در شرع است. با وجود این، شورای نگهبان قانون اساسی، این قوانین را مخالف شرع تشخیص نداده است؛ چرا که این اعمال همگی «حرام» محسوب است و هر عمل حرامی قابل تعزیر می‌باشد (حاجی آبادی، ۱۳۸۷: ۲۹۲). بعضی از حقوق‌دانان نیز در تأیید این قاعده، تعیین مجازات توسط دولت برای هر عملی که مفسده و پیامد سوء داشته باشد را مجاز دانسته و معتقدند از آن‌جا که شریعت اسلام برای حفظ نظام اهتمام زیادی قائل است، هر آن‌چه را که موجب نزاع، مخاصمه، هتک عرض و ریختن خون انسان‌های بی‌گناه می‌شود را ممنوع اعلام می‌دارد؛ زیرا در برابر این امر مهم، وظیفه‌ی سنگینی بر عهده دارد. از این رو با توجه به این که اجرای حدود و تعزیرات در موارد منصوص برای این مقصود کفایت نمی‌کند، باید این اختیار را به حکومت اسلامی داد که هر عملی را که مفسده و پیامد سوء داشته، به درجه‌ای که امنیت اجتماعی و حقوق عامه و مصالح جامعه را به خطر بیاندازد و موجب تجری مردم بر ارتکاب معاصی شود، ممنوع اعلام نماید و برای ارتکاب آن مجازات مقرر کند (محقق داماد، ۱۳۸۳: ۲۴۶). کاربرد این قاعده در جرم‌انگاری برای افعال حرام در موضوع بحث ما نیز می‌تواند مبنای مناسبی برای تعیین مجازات در مورد تولید کننده‌ی کالای معیوب محسوب شود؛ چرا که در اسلام، تقلب و خرید و فروش کالاهایی که به روح و جسم مردم، خسارات قابل ملاحظه‌ای وارد کند، حرام دانسته شده است (هاشمی‌نژاد، بی‌تا: ۱۵۸). ایراد ضرر جسمانی به دیگران نیز از مصادیق بارز فعل حرام است که خود یکی از پیامدهای استفاده از کالاهای معیوب است. در کلام وحی، کسب مال و ثروت از طریق نامشروع مورد نهی قرار گرفته و در آیات ۱۸۸ سوره بقره و ۲۹ سوره‌ی نساء توصیه شده است^۱ که تولید کالای معیوب و تقلب در امر تولید یا عرضه‌ی کالاها و کسب منفعت از این طریق، یکی از راه‌ها و سبب‌های نامشروع کسب درآمد بوده و با عنایت به نهی خداوند کریم، چنین اعمالی حرام تلقی می‌شود.

۱. «لا تاكلوا اموالکم بینکم با الباطل ...».

۳-۱. برخی مصادیق مسئولیت فروشندهی کالا در فقه

انجام بعضی امور در فقه اسلامی در مقام انجام معامله، مذموم و حرام شمرده شده است که می‌تواند به عنوان مبنای برخورد با تولید کنندهی خاطی و سایر افراد مرتبط با تولید مانند توزیع کننده، فروشنده و غیره مورد استفاده قرار گیرد.

۳-۱-۱. نجش

واژه‌ی «نجش» به فتح نون و سکون یا فتح جیم، در لغت به معنی پراکندن سخن، بحث کردن از چیزی و جمع کردن است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۴: ۲۲۳۴۹). نجش با نون مفتوح و جیم ساکن یا جیم مفتوح چنانچه در جامع‌المقاصد نیز آمده، حرام است و مستند آن حدیث پیغمبر صلی‌الله علیه و آله است که ضعف سند آن با اجماع منقول جبران شده است؛ چرا که حدیث به لعن ناجش و منجوش له دلالت دارد. حدیث دیگری از پیغمبر اکرم می‌گوید: «با یکدیگر نجش نکنید». عقل نیز بر قبح این عمل دلالت دارد؛ زیرا چنین عملی، نوعی غش و اضرار است. نجش به این معناست که شخصی بر قیمت کالایی که نمی‌خواهد آن را بخرد، بیافزاید تا این قیمت زیادی را به گوش دیگری برساند تا او نیز کالا را به قیمت بیشتری بخرد، چه میان ناجش و بایع تبانی شده یا نشده باشد و نیز گفته‌اند: «شخصی کالای دیگری را بستاند تا آن را رواج دهد؛ به شرطی که بین او و بایع تبانی باشد یا این که تبانی هم نباشد» (انصاری، ۱۳۸۳: ۱۶۴).

با عنایت به تفسیر دوم حرمت نجش به ویژه در حالتی که بین ناجش و بایع تبانی نباشد، نیازمند دلیل است و از عده‌ای از فقها در این صورت نقل به کراهت شده است (همان: ۱۶۶).

۳-۱-۲. غش

واژه‌ی غش به معنای ظاهر کردن خلاف آنچه در دل باشد، خدعه کردن و گول زدن آمده است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۱: ۱۶۷۳۰) غش، حرام است و در این موضوع اختلافی نیست و روایات متواتر وجود دارد. از جمله از پیامبر اکرم با سندهای متعدد نقل شده است که: «در زمره‌ی مسلمانان نیست هر کس با مسلمانی

غش کند». ظاهر اخبار این است که تحقق غش منوط به مخفی ماندن است. مانند آمیختن آب با شیر و مخلوط کردن مرغوب با نامرغوب یا قرار دادن حریر در جای سرد تا وزن بیشتری بگیرد و اگر امتزاج و مخلوط کردن به گونه‌ای باشد که مخفی نماند، حرام نیست و منصرف از غش است. به مواردی که امتزاج و مخلوط کردن طوری باشد که آشکار گردد، غش اطلاق نمی‌شود (انصاری، ۱۳۸۳: ۱۰۲).

بنابراین تولید کننده‌ای که در کالای تولیدی خود از طریق آمیختن جنس نامرغوب یا از هر طریق دیگری مرتکب غش شود و موجب ورود ضرر به مصرف‌کننده گردد، از جهت حقوقی و کیفری مسئولیت خواهد داشت.

۲-۳. قواعد فقهی

از جمله قواعد فقهی که مبنای مسئولیت است، «لا ضرر»، «غرور»، «تسبیب» و «من له الغنم فعلیه الغرم» است که موضوع این نوشتار است.

۱-۲-۳. قاعده‌ی لاضرر

قاعده‌ی لاضرر به عنوان یکی از مهم‌ترین قواعد فقهی می‌تواند بیشترین کاربرد را در این بحث داشته باشد. مطابق این قاعده، مردم از ضرر رساندن به یکدیگر منع شده و در صورت ایراد خسارت، ملزم به جبران آن شده‌اند.

در مورد مفاد قاعده‌ی لاضرر بین فقها اختلاف نظر وجود دارد. عده‌ای عقیده دارند مطابق این قاعده، حکم ضرری در اسلام وجود ندارد. لذا هرگاه وجوب حکمی در اسلام سبب ورود ضرر شود، آن وجوب برداشته می‌شود. در مقابل عده‌ای معتقدند مطابق این قاعده، موضوع ضرری در اسلام موجود نیست (محقق داماد، ۱۳۸۵: ۱۳۷). قاعده‌ی لاضرر و لاضرار که یکی از مهم‌ترین قواعد فقهی است، متضمن ضرورت جبران زیانی است که بدون حق وارد شده است؛ اعم از این که ناشی از عدم اجرای قرارداد باشد یا ناشی از ضمانات قهری. وقتی کسی از کالایی آسیب دید، تفاوتی نمی‌کند که قراردادی موجود باشد یا نباشد (جعفری‌تبار، ۱۳۷۵: ۵۹).

جدای از مباحث نظری در مورد این قاعده، می‌توان گفت مطابق این قاعده ضرر زدن به دیگران مشروعیت ندارد و هرگاه عمل شخص، منشاء ایراد خسارت به

دیگران باشد، آن شخص باید از عهده‌ی جبران خسارت برآید. بنابراین تولید کننده‌ی خاخی که کالای معیوب او منشاء ایراد خسارت گردیده، ملزم به جبران خسارت است.

۲-۳-۲. قاعده‌ی غرور

مطابق قاعده‌ی غرور، هرگاه از شخصی عملی صادر شود که باعث فریب خوردن شخص دیگر گردیده، و از این رهگذر ضرر و زیانی متوجه او شود، شخص نخست ضامن است و باید از عهده‌ی خسارت وارده برآید. (محقق داماد، ۱۳۹۰: ۱۶۳) شخص اول را «غارّ» (فریب‌دهنده) و شخص دوم را «مغرور» (فریب‌خورده) و این قاعده را «قاعده‌ی غرور» گویند؛ مطابق این تعریف، لازم نیست شخص اول قصد نیرنگ و خدعه داشته باشد و حتی ممکن است خود نیز از دیگری فریب خورده باشد، بلکه همین مقدار که از او فعلی صادر شود که دیگری با توجه به آن فریب بخورد، برای صدق عنوان غرور کافی است. مستفاد از این قاعده، این که اگر عمل تولید کننده و سایر عوامل مرتبط با تولید، از جمله عرضه‌کننده و واسطه‌ی موجب اغفال و فریب مشتری شده و مصرف‌کننده در انتخاب کالای مورد نظر خود مغرور شود، می‌تواند برای جبران خسارت به شخصی که موجب این امر شده، مراجعه نماید.

این قاعده و به طور کلی قواعد مورد بحث، مسئولیت مدنی تولیدکنندگان را اثبات می‌نمایند؛ منتهی، آن‌جا که حفظ نظم عمومی و حساسیت موضوع دخالت قانون‌گذار کیفری در امور مدنی را ایجاب می‌نماید، این قواعد می‌تواند به عنوان یکی از مبانی و دلایل برخورد کیفری با تولید کننده‌ی خاخی قلمداد شود. از طرفی هرچند برای احراز مسئولیت غارّ جهت جبران خسارت، احراز آگاهی او شرط نیست و به طور مطلق مسؤول می‌باشد، اما در مواردی که غارّ با علم و آگاهی به قصد نیرنگ و خدعه، اعمالی انجام می‌دهد که موجب فریب مغرور شده و زیانی به او وارد آید، با توجه به علم و عمد غارّ، می‌توان عمل او را در مواردی مستوجب مجازات دانست.

۳-۲-۳. قاعده‌ی من له الغنم فعلیه الغرم

مطابق این قاعده، هر کس از کاری سودی ببرد، غرامت آن کار هم با اوست. مسئولیت ناشی از این قاعده، کاملاً اخلاقی است و بر خلاف آنچه تصور شده،

مسئولیت اخلاقی نیاز به تقصیر ندارد. عدالت اجتماعی اقتضاء می‌کند ثروتمند به همان میزان که کسب سرمایه می‌کند، متقبل مضرات عمل خویش نیز باشد، هر چند تقصیری نکرده باشد (جعفری‌تبار، ۱۳۷۵: ۷۱).

این قاعده رابطه‌ی تنگاتنگی با مسئولیت تولید کننده دارد. کسی از عوامل سود و انتفاع بیشتری برخوردار است و جامعه وسایل و ابزار بیشتری در اختیار او قرار داده، اگر در استفاده از این ابزار اعمالی را مرتکب شود که موجب ورود خسارت و ضرر به دیگران شود، باید ضرر و زیان ناشی از عمل خود را جبران نماید و چنانچه عمل او واجد عنوان مجرمانه باشد، عقوبت آن را هم بایستی متحمل شود. از این رو امروزه شرکت‌های بزرگی که در قالب اشخاص حقوقی در حجم وسیع به فعالیت‌های اقتصادی از جمله تولید کالا می‌پردازند، در مقابل ضررهای حاصل از تولیدات خود مسؤول بوده و بدون نیاز به احراز تقصیر، صرفاً به لحاظ محیط سودآوری که ایجاد نموده‌اند، ملزم به پاسخ‌گویی، به صورت جبران خسارت یا تحمل مجازات می‌باشند. مسئولیت مدیران شرکت‌های تولیدی در قبال تخلفات کارگران که با تولید کالای معیوب سبب ایراد خسارت به مصرف‌کننده می‌شوند نیز در چارچوب این قاعده قابل بررسی است.

۴-۲-۳. قاعده‌ی تسبیب

در تسبیب، شخص به طور مستقیم مباشر تلف کردن مال و ورود خسارت به دیگران نیست، بلکه مقدمات تلف را فراهم می‌کند؛ یعنی کاری انجام می‌دهد که در نتیجه‌ی آن کار، تلف واقع می‌شود. مانند آن که با انداختن پوست موز در معبر عام موجب سُر خوردن اشخاص و آسیب آن‌ها می‌شود.

لزوم تقصیر در هیچ یک از مواد قانونی به صراحت ذکر نشده، اما مستنبط از مواد قانونی این است که در تسبیب، وجود تقصیر، شرط ایجاد مسئولیت است (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۲۹ و ۳۰). برای تحقق قاعده‌ی تسبیب، متضرر (خریدار) باید تقصیر فروشنده را ثابت کند و علاوه بر آن باید ثابت نماید که بین تقصیر فروشنده و ضرر وارده به او رابطه‌ی سببیت وجود داشته و تقصیر فروشنده، دلیل ورود ضرر می‌باشد. اثبات این امر توسط مصرف‌کننده با توجه به موقعیت نابرابر عرضه‌کنندگان

کالا و خدمات^۱ و مصرف کنندگان آنها، امری دشوار و در بسیاری موارد ناممکن است. لذا بسیاری از زیان‌های وارده به مصرف کننده جبران نشده باقی می‌ماند. در کتب فقهی، در بحث «موجبات ضمان»، مباحث مربوط به تسبیب مطرح شده و موجبات ضمان کیفری و مدنی تحت دو عنوان مباشرت و تسبیب مورد بررسی قرار گرفته است.

در بررسی مصادیق موجبات ضمان به تسبیب، به مسئولیت تعمیر کننده‌ی کشتی اشاره شده^۲ و شخصی که کشتی در حال حرکت در آب را تعمیر می‌کند و سبب غرق شدن کشتی می‌شود، ضامن جان و مال دیگران خواهد بود. در ضمان تعمیر کننده‌ای که با قصد ایراد خسارت، اقدام به سوراخ کردن کشتی می‌نماید و یا در انجام کار خود، تفریط (تقصیر) می‌کند، اختلاف نیست و بنا به قولی، صرف استناد تلف به عمل تعمیر کننده، جهت مسؤول دانستن او کافی است؛ چرا که فرض بر ضمان صانع است، حتی اگر تمام تلاش خود را به کار برده باشد.

هدف از ذکر این مطلب، بررسی و تشریح موارد اختلاف نیست، بلکه توجه به این نکته است که تعمیر کننده‌ی کشتی در کلام فقها موضوعیت ندارد و حکم مذکور در بالا را می‌توان به سازندگان همه‌ی کالاها تسری داد و در صورتی که تولید کالای معیوب به عمد یا توام با تقصیر باشد و از این طریق سبب ورود خسارت جانی یا مالی شود، مسؤولیت مدنی و کیفری خواهد داشت.

۱. «عرضه کنندگان کالا و خدمات» به معنایی که در بند ۲ ماده‌ی ۱ قانون حمایت از حقوق مصرف کنندگان آمده، به کار برده شده است. یعنی کلیه‌ی تولید کنندگان، وارد کنندگان، توزیع کنندگان، فروشندگان کالا و ارائه کنندگان خدمات، اعم از فنی و حرفه‌ای و همچنین کلیه‌ی دستگاه‌ها، موسسات و شرکت‌هایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر یا تصریح نام است و به طور مستقیم یا غیر مستقیم به صورت کلی یا جزیی کالا یا خدمات به مصرف کننده ارائه می‌نمایند.

۲. صاحب جواهر در خصوص مسؤولیت تعمیر کننده‌ی کشتی در فرضی که عمل وی سبب ورود خسارات جانی و مالی به دیگران می‌گردد، آورده است: «لو اصلاح سفینه و هی سائره مثلاً او ابدل لوحاً منها ففرقت بفعله مثل ان سَمَر مسماراً فقلع لوحاً او اراد رد موضع ای سد فرجه نهتک فهو ضامن فی ماله مایتلف من مال او نفس بلا خلاف اجده فی الثانی لانه شبیه عمد باعتبار قصده الفعل دون القتل، بل والاول مع فرض التفریط، بل و مع عدمه مع فرض استناد التلف الیه، و ان قال فی المسالك: «هو مبنی علی ضمان الصانع و ان اجتهد و قد تقدم» و ربهما فصل بین ما اوجب علیه اوکان لمصلحتهم خاصه فلا ضمان و الا ضمن، کان لمصلحه او باجره و نحوها و هو كما ترى ...» (نجفی، ۱۹۸۱: ۱۱۳).

برآمد

در مقام توجیه فقهی مسؤولیت کیفری تولیدکنندگان کالاهای معیوب می‌توان از قاعده‌ی فقهی «التعزیر لکل عمل حرام» استفاده کرد؛ زیرا در اسلام، ارتکاب به مباشره یا به تسبیب هر فعلی که منتهی به ایراد ضرر به دیگران شود، حرام است. تولیدکننده‌ی کالای معیوب نیز که با تولید چنین کالایی سبب ورود خسارت به مصرف‌کننده شده است، واجد حرمت شرعی است.

با توجه به ممنوعیت اکل مال بباطل نیز می‌توان تولیدکننده‌ی کالاهای معیوب را واجد مسؤولیت کیفری دانست؛ زیرا این قبیل تولیدکنندگان با حیل و تقلب و به قصد تحصیل سود بیشتر، اقدام به عرضه‌ی کالاهای معیوب و بدون کیفیت در سطح وسیع می‌نمایند. هم‌چنین قاعده‌ی فقهی لاضرر، قاعده‌ی تسبیب، قاعده‌ی غرور و قاعده‌ی «من له الغنم فعلیه الغرم» می‌توانند مبنای مسؤولیت مدنی و الزام تولیدکنندگان کالاهای معیوب به جبران خسارات وارده به مصرف‌کننده قرار گیرند. از بررسی مجموع مطالب، برای ارتقای کیفی قوانین و مقررات داخلی، پیشنهادهایی به شرح ذیل قابل ارائه است:

۱- الزام تولیدکنندگان به بیمه نمودن کالاهای خود در قبال خساراتی که از مصرف آن‌ها به اشخاص ثالث وارد می‌شود؛ همانند الزام دارندگان وسایل نقلیه‌ی موتوری به بیمه‌ی وسایل نقلیه‌ی خود در قبال خسارات بدنی و مالی که به اشخاص ثالث وارد می‌شود و گامی موثر در جهت جبران خسارات جانی و مالی وارده به مصرف‌کنندگان این‌گونه کالاها خواهد بود؛

۲- به منظور تسهیل جبران خسارت مصرف‌کنندگان به ویژه در مواردی که کالا در خارج از کشور ساخته شده است و باید در کنار تولیدکننده برای توزیع کننده و اجاره دهنده‌ی کالا، مسؤولیت تضامنی قائل شد. بدیهی است پس از جبران خسارت مصرف‌کننده، توسط توزیع‌کننده یا اجاره دهنده، این دو برای دریافت مبلغی که به عنوان خسارت به مصرف‌کننده پرداخته‌اند حق مراجعه به تولیدکننده را خواهند داشت.

۳- با توجه به دشواری اثبات تقصیر تولیدکننده در مواردی که مصرف‌کننده در نتیجه‌ی مصرف کالای معیوب دچار خسارت شده است، پیش‌بینی مسؤولیت

مطلق برای تولید کننده ضروری است. به شرط آن که:

- کالا در زمان فروش معیوب باشد؛
 - مصرف کالا به خاطر عیب موجود در آن برای مصرف کننده خطرناک باشد؛
 - شاکی دچار خسارت مالی یا جانی شده باشد؛
 - ورود خسارت به شاکی در نتیجه مصرف کالای معیوب باشد.
- ۴- در مواردی که یک شرکت تولیدی، متوجه عیب موجود در کالاهای فروخته شده خود می‌شود و به دلیل احتمال ورود ضرر آتی به مصرف کنندگان، برای تعمیر یا جایگزینی این کالاها اقدام به انتشار فراخوان می‌نماید، انتشار چنین فراخوانی نباید موجب براءت کامل تولید کننده از جبران خساراتی باشد که مصرف کننده در نتیجه مصرف کالای معیوب متحمل شده است؛ زیرا ممکن است بسیاری از مصرف کنندگان از انتشار چنین فراخوانی مطلع نشوند. هم‌چنین هیچ تکلیف قانونی برای استرداد این کالاها از سوی مصرف کنندگان وجود ندارد. در عین حال به منظور حفظ انگیزه‌ی انتشار چنین فراخوان‌هایی، محاکم باید این اقدام را به عنوان یک کیفیت مخففه لحاظ نمایند.

فهرست منابع

- آذرنوش، آذرتاش، *فرهنگ معاصر عربی*، تهران، نی، چاپ پنجم، ۱۳۸۴.
- استفانی، گاستون؛ لواسور، ژرژ و بولوک، برنار، *حقوق جزای عمومی*، برگردان: حسن دادبان، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی، چاپ دوم، ۱۳۸۳.
- امیدی، مهرانگیز؛ سعادت‌مندی، علی‌رضا، *نگاهی به حقوق مصرف‌کننده*، تهران، سازمان برنامه و بودجه، چاپ نخست، ۱۳۷۴.
- انصاری، شیخ مرتضی، *مکاسب*، جلد نخست، قم، آرموس، چاپ سوم، ۱۳۸۳.
- جعفری تبار، حسن، *مسئولیت سازندگان و فروشندگان کالا*، تهران، دادگستر، چاپ دوم، ۱۳۷۵.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، *ترمیم‌ولوژی حقوق*، تهران، گنج دانش، چاپ نهم، ۱۳۸۴.
- حاجی ده‌آبادی، احمد، *قواعد فقه جزایی*، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ نخست، ۱۳۸۷.
- حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه*، بیروت، دار احیاء الکتب العربیه، بی‌تا.
- دهخدا، علی‌اکبر، *لغت‌نامه*، جلد سیزدهم، تهران، دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۷.
- شامبیاتی، هوشنگ، *حقوق جزای عمومی*، تهران، مجد، چاپ پانزدهم، ۱۳۸۸.
- شیروانی، علی، *ترجمه و تبیین شرح لمعه*، جلد چهاردهم، دارالعلم، چاپ هفتم، ۱۳۸۶.
- صادقی، محمدهادی، *حقوق جزای اختصاصی (جرایم علیه اشخاص)*، تهران، دادگستر، چاپ دوم، ۱۳۸۷.
- عوجی، مصطفی، *المسئولیه الجنائیه*، بیروت، نوفل، ۱۹۸۵ میلادی.
- قیاسی، جلال‌الدین، *تسبیب در قوانین کیفری*، قم، مدین، چاپ نخست، ۱۳۷۵.
- کاتوزیان، ناصر، *الزام‌های خارج از قرارداد (ضمان قهری)*، تهران، دانشگاه تهران، چاپ ششم، ۱۳۸۶.
- کاتوزیان، ناصر، *دوره‌ی مقدماتی حقوق مدنی (وقایع حقوقی)*، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ پنجم، ۱۳۷۷.
- کاتوزیان، ناصر، *مسئولیت ناشی از عیب تولید*، تهران، دانشگاه تهران، چاپ دوم،

۱۳۸۴.

کاتوزیان، ناصر، *مقدمه‌ی علم حقوق*، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ بیست و سوم، ۱۳۷۷.

محقق داماد، سید مصطفی، *قواعد فقه (بخش مدنی)*، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ سی‌ام، ۱۳۹۰.

محقق داماد، سید مصطفی، *قواعد فقه (بخش جزایی)*، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۸۳.

مریدنژاد، عباس، *بررسی حقوق مصرف‌کنندگان در لایحه‌ی حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان و مقایسه‌ی آن با قانون حمایت از مصرف‌کننده‌ی ۱۹۸۷ انگلستان*، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران (پرديس قم)، ۱۳۸۲.

معین، محمد، *فرهنگ فارسی*، جلد سوم، تهران، امیرکبیر، چاپ دوازدهم، ۱۳۷۷. مکی‌العاملی، محمد بن جمال‌الدین (شهید اول)، *لمعه دمشقیه*، برگردان: علی شیروانی و محسن غرویان، قم، دارالفکر، چاپ یازدهم، ۱۳۷۸.

منتقمی، فروغ، *مسئولیت سازندگان و فروشندگان کالا در حقوق ایران*، تهران، موسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، چاپ نخست، ۱۳۸۵.

موسوی بجنوردی، سید میرزا حسن، *القواعد الفقهیه*، جلد دوم، قم، دارالمکتب العلمیه اسماعیلیان نجفی، بی‌تا.

موسوی خویی، سید ابوالقاسم، *مبانی تکلمه المنهاج*، جلد چهارم و یکم، قم، موسسه احیاء آثار امام خویی، چاپ سوم، ۱۴۲۸ هجری قمری.

نجفی، شیخ محمد حسن، *جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام*، جلد چهارم و سوم، تصحیح و تحقیق و تعلیق: رضا استادی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ هفتم، ۱۹۸۱ میلادی.

نجیب‌حسینی، محمود، *رابطه‌ی سببیت در حقوق کیفری*، برگردان: سیدعلی عباس‌نیای زارع، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، چاپ نخست، ۱۳۸۵.

نوربها، رضا، *زمینه‌ی حقوق جزای عمومی*، تهران، گنج دانش، چاپ بیستم، ۱۳۸۶. ولیدی، محمد صالح، *حقوق جزای عمومی*، تهران، بهرام، چاپ دوم، ۱۳۷۸.

هاشمی‌نژاد، سید عبدالکریم، *مسائل عصرها*، تهران، فرخنده، چاپ ششم، بی‌تا.

European Convention on Products Liability in regard to Personal Injury and Death, Article 2(b), Starsbourg, 1977.

Martin Hunt , (2004) ***Nutshell A Level Law*** ,SWEET & MAXWELL, 2nd edn LONDON.

Oxford Advanced Learners 's Dictionary (2005), Oxford University Press , 7th edn, Great Britain.

Simester and Sullivan(2010), ***Criminal Law: Theory and Doctrine***, Hart Publishing, 4th edn, London.

Steinbuch , Robert, ***“the executive internalization Approach to high- risk Corporate behavior : establishing individual Criminal Liability for the intentional or reckless introduction of excessively dangerous products or services into stream of commerce”***. The Journal of law . Economics,& Organization, Vol.22, No. 1, Oxford University Press , United states.

Whittaker, Simon, (2005) ***Liability for Products (English Law , French Law and European Harmonisation)***,Oxford University Press , 1 edn, United States.